

آخوندها اسلام را خراب کرده اند

اسلام به ذات خود ندارد عیبی، هر چه عیب است از مسلمانی ماست! اسلام خودش مشکلی ندارد، این آخوند ها خرابش کرده اند، اسلام ربطی به آخوند ندارد، اینها برای خودشون همه چیز رو عوض کرده اند!

یکی از سفسطه های رایج در بین مسلمانان پیشرفته و آنانی که خود را بسیار روشنفکر و مدرن و امروزی میدانند (چون مشروب میخورند و یا زنانشان را کتک نمیزنند و یا دوست دختر یا دوست پسر دارند) مطرح میکنند، این دوستان که بیش از ۹۰٪ شان تا بحال زحمت خواندن قرآن را به خودشان نداده اند، اعتقاد دارند که اسلام را بهتر از علمای اسلام مثل آقای مطهری که چندین کتاب در مورد اسلام نوشته اند میفهمند و درک میکنند.

اشکالی که این افراد دارند این است که از آخوند ها بخاطر ریش بلند آنها و شکم گنده آنها بدشان می آید، لذا اسلام آنها را دروغین میدانند، در حالی که این افراد وجود تخیلاتی مثل امام زمان و را مدیون همین آخوند ها و روضه خوان ها هستند و باید بسیار ممنون و شاکر آقایان علمای حوزه علمیه قم بدانند، زیرا اکثر مفاهیمی که از آنها برای دفاع از اسلام سود میبرند ساخته و پرداخته همان آخوندها هستند.

متأسفانه بسیاری از مردم ایران از اسلام تصویری کاملاً خیالی و غیر واقعی در ذهن دارند، این اشخاص بدون اینکه بدانند اسلام چیست و قرآن چه میگوید و پیامبر اسلام چه کرده است و چه نکرده است، تنها نام زیباترین تفکرات و ایده آل های خودشان را اسلام میگذارند، و وقتی میگویند اسلام واقعی منظورشان آن اسلامی نیست که قرآن می آموزد و محمد پیامبرش است، بلکه منظورشان اسلامیهست که خودشات پیامبر آن هستند و از تخیلات و ایده آل های خود آنرا در ذهن پرورانده اند. هر چه زیبایی است به اسلام نسبت میدهند و هر چه زشتی است اسلام را از آن بری میدانند و این مطلق اندیشی و جزمیت است که این قوم را به اوج جهالت میرساند. اما واقعیت این است که آخوند ها و اشخاصی مثل بن لادن و خمینی و شیخ صادق خلخالی و ... مسلمانان راستین هستند، چون اعمال آنها با قرآن و احادیث و رفتاری که پیامبر اسلام انجام داده است، کاملاً همخوانی دارند و در یک مسیر قرار میگیرند! به مثالی از آخرین مصاحبه آیت الله خلخالی توجه کنیم:

" تازه بود که حاکم شرع شده بودم و بنا داشتم تا با منافقین قاطعانه برخورد کنم. برای خیلی از همکارانم سوال بود که چگونه می شود این ها را سر جایشان نشانند. عصر از پیش امام بازگشته بودم و با همراهان و همکاران و محافظانم قرار بود شام را در منزل بخوریم. داشتیم می آمدیم داخل کوچه منزل که از شیشه ماشین دیدم دوتا بچه پانزده، شانزده ساله گویا مخفیانه چیزی با هم رد و بدل کردند. دستور دادم بگیرند و بگردندشان ببینم ماجرا چیه. خودم از کیف پسره این روزنامه مجاهدین را در آوردم. یادم هست فامیلش شریعتی بود از خانواده های اسمی قم. همانجا پسره را با گلوله زدم و به همراهانم گفتم اینجوری باید با این جانوران برخورد کرد! "

خلخالی درست می گفت. امین شریعتی پانزده ساله به دست او اعدام انقلابی شد و در حالی که به خانواده اش گفته بودند فلان روز از زندان آزاد می شود، جنازه نوجوان تحویل خانواده اش شد. به سالی نرسید که مادرش دق کرد و مرد و پدرش راهی دارالمجانین شد. آیت الله گویی با لحظاتی چنین زندگی می کرد" [منبع](#)

اکنون آیا این عمل با آیات جنایی قرآن از جمله آیه پایینی که در مورد منافقان آمده است همخوانی ندارد؟

احزاب آیه ۶۱ صفحه ۴۲۷

اینان لعنت شدگانند. هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی کشته شوند.

آیا اعدامهای سال ۱۳۶۷ دقیقاً همان کاری نیست که محمد با دشمنان خود کرد؟ آیا این بلایی که اسلامگرایان بر سر مخالفانشان آوردند همان بلایی نیست که محمد بر سر دشمنان خود بویژه در مورد بنی قریظه که در یک روز دستور قتل عام صدها مرد یهودی را داد، می آورد؟

آیا دجال صفتی آیت الله خمینی و تغییر منش و رفتار وی از پاریس به تهران همان تغییر رفتار و خدعه محمد نیست که از مکه به مدینه تغییر کرد؟ آیا محمد هم همچون خمینی وقتی در قدرت نبود حرف از مساوات و آزادی و آزادی نمی زد؟ آیا هر دو وقتی به قدرت رسیدند دشمنانشان را از دم تیغ نگذرانند؟

آیا دزدی اموال ملی ما همان انفالی نیست که محمد از غارت و کاروان زنی بدست می آورد؟ آیا اختناق و تروریسم این دستگاه خلافت آخوندی همان اختناق و تروریسم حکومت محمد و علی و ... نیست؟

آیا باز میتوان بدون استدلال و دلیل گفت که آخوند ها به اسلام ربطی ندارند یا این تنها یک سفسطه بی پایه و برگرفته از احساس است؟ از همان اولین روزهای ظهور اسلام در جزیره العرب، اسلام فرم سیاسی داشته است تا به همین امروز، بعد از محمد که خود حکومت اسلامی تشکیل داد تا زمان ابوبکر، عمر، عثمان، علی، بنی امیه، بنی عباس و تمامی سالهایی که ترکها، عربها، افغانها و مغولها بر ایران حکومت کرده اند همواره اسلام نقش اساسی داشته و خیلی از قوانین و مفاهیم اسلامی پیاده میشده است، مگر در دورانهایی بسیار کوتاه مدتی مثل دوران نادر شاه و یا امیرکبیر و اواخر دوران رضا شاه و اواخر دوران محمد رضا شاه. اما مسلمانان هیچ کدام از اینها حکومت ها و حاکمین را مسلمان یا اسلامی نمیدانند، البته درود به شرف عده ای بسیجی و آخوند که حد اقل روح الله خمینی (اولین نماینده خداوند بر روی زمین بعد از ۱۴۰۰ سال) را مسلمان میدانند و حکومتش را اسلامی! دلیلی که پشت این قضیه وجود دارد این است که تاریخ این حکومتها و حاکمین بقدری کثیف و زشت و ناپسند است که اکثر مسلمانان از بر عهده گیری این حقیقت که این افراد مسلمان بوده اند وحشت دارند! اکثر کسانی که آخوند ها را اسلامی نمیدانند ذره ای اطلاع از اسلام ندارند و نمیدانند که حماقت آخوند ها به دلیل اسلامگرا بودنشان است.

جدا از اینکه آنچه مسلمان میکند و آنچه اسلام است میتواند متفاوت باشد، اما تاریخ اسلام مسلماً آن چیز است که مسلمین انجام داده اند! بنابر این تاریخ اعمال زشت و کثیف اسلاميون را ثبت کرده است و در جلوی ما گذاشته است و ما خود در عصری زندگی میکنیم که پلیدی و زشتی آنچه دانشمندان اسلامی انجام داده اند را شاهد بوده ایم! حال مسلمانان بسیار تلاش دارند تاریخ اسلام را از ماهیت اسلام جدا کنند و به شدت معتقدند تاریخ اسلام ربطی به اسلام ندارد، و حتی جنایات امام علی و محمد و عمر و بعدها بنی امیه و بنی عباس و.... تا سر انجام دستگاه خلافت اسلامی خمینی ربطی به اسلام نداشته و ندارند. چرا ندارند؟ آیا آنچه امروز وضعیت مسلمانان است نتیجه تربیت و محیطی نیست که اسلام برایشان پدید آورده؟

سوال این است که اگر اسلام اندیشه ایست که ۱۴۰۰ سال است وجود دارد، و در این همه کشور مسلمان دنیا در طول این مدت وجود داشته و همانطور که خود مسلمانان معترف هستند نتیجه نداده و هیچ کدام از چنین جوامع اسلامی را به سعادت نرسانده است، و کشور های اسلامی همه فقیر و جهان سومی و استبدادی هستند، آیا این اندیشه غیر قابل اجرا و بدرد خور نیست؟! آیا نباید اندیشه ای که چنین نتایج وحشتناکی را بوجود آورده است و هر جا به قدرت رسیده است اختناق و فقر و پلیدی به بار آورده استندور انداخت؟! آیا بهتر نیست شما دنبال مفاهیمی باشید که قابل اجرا باشند؟! مفاهیمی همچون دموکراسی که بارها آزمایش شده اند؟! بنابر این اگر این همه آدم در این همه کشور دنیا نتوانسته اند اسلام را پیاده کنند، مسلماً شما هم نخواهید توانست! آن اسلام خیالی که مسلمانان از آن حرف میزنند و مدعی آن هستند در واقع پیاده شدن تلخ ترین نتایج را بوجود خواهد آورد. خودشان نیز اینرا میدانند، میگویند **امام زمان با ظهور خود آنقدر آدم خواهد کشت که تا زیر لگام اسپش یا در برخی از روایات تا زیر گردن اسپش خون جمع خواهد شد!** اسلامی تر شدن یک جامعه و یک حکومت یعنی چی؟ اسلامی تر شدن یعنی دست دزد را بیشتر قطع کردن، بیشتر سنگسار کردن، بیشتر حکم ارتداد را پیاده کردن، آیا مسلمانان واقعا اینقدر کودن هستند که فکر میکنند با پیاده شدن بیشتر مفاهیم دینیشان پیشرفت خواهند کرد؟

سوال دیگر این است که چه چیزی از اسلام است که اجرا نشده است؟! آیا شما ندیده اید در این مملکت سنگسار و قصاص و جهاد و ... شده است؟! چه چیزی از اسلام مانده است که دانشمندان و علمای دین اسلام آنرا روی ما موشهای آزمایشگاهی آزمایشگاه الهیشان پیاده و آزمایش نکرده اند؟! آیا هیچ به این فکر کرده اید که با پیاده شدن اسلام در سراسر جهان چندین میلیون نفر باید سنگسار شوند؟! آیا به این فکر کرده اید که در ۹۰٪ دانشگاه های جهان را باید بست چون علومشان یکسره غیر الهی است؟! آیا شما میتوانید تصور کنید روزی قاضی های دیوان بین المللی لاهه را عمامه بسر ها و پشمی ها قضاوت کنند تا بر جهان عدل اسلامی عدالت کند؟! آیا این افراد نمیدانند که خفقان جوامع اسلامی ریشه در خفقان جامعه ای دارد که محمد تشکیل داده بود؟ کشتن مخالفان و تروریسم جمهوری اسلامی آیا همان خشونت و تروریسم محمد رسول الله نیست؟! **باید بارها تکرار کرد که مشکل مسلمانان این است که اسلام را نمیشناسند!** و الا اگر اسلام را و به ویژه قرآن را به زبان خود بخوانند و مطالعه کنند و از فیلتر عقل و خرد خود عبور دهند هرگز ننگ مسلمان نام نهادن خویش را بر خود ارزانی نخواهند داشت!

مگر آخوند کیست؟ آخوند از مریخ آمده است؟ آخوندها دانشمندان اسلامی هستند، آخوندها اشخاصی هستند که چندین سال باید در مورد اسلام مطالعه کنند تا آیت الله شوند. اگر به نظر میرسد که آخوندها موجودات نادانی هستند این به این دلیل است که اسلام سرتاسر نادانی و فرومایگیست! چه کسی در این مملکت اسلام را بهتر از آخوند ها میشناسد؟ آیا مسلمانان نمیبینند که آیت الله های رده اول این حکومت را تایید میکنند و از آن دفاع میکنند؟ آیا برآستی آخوند منهای اسلام فرقی با سایر مردم دارد؟

اما آیا ایده و عقیده ای میتواند وجود داشته باشد و در عرصه جهان این مقدار پلیدی ایجاد کند و دلیل جهل و عقب ماندگی و رذالت شود و خود سالم فرار کند؟! خیر! اینبار ما نخواهیم گذاشت که اسلام از زیر مسئولیت جمهوری اسلامی شانه خالی کند و فرار کند! **اسلام در این مملکت تا حدود زیادی پیاده شد و در دوران طالبان افغانستان نیز تا حدود بیشتری پیاده شده است. اسلام مسئول است و باید پاسخگوی تاریخ کثیف خود باشد!** و این حنایی است که دیگر در میان ما ایرانیان جایی ندارد! کسانی که واقعا فکر میکنند بعد از این همه ضرر تاریخی که اسلام عامل اصلی آن است، اسلام جان سالم به در خواهد برد، بیش از حد خوشبین هستند.

مسلمانان را باید همواره به خواندن قرآن به زبان مادریشان و تفکر در مورد آن تشویق کرد، زیرا قرآن بهترین کتابی است که ضد اسلام تابحال نوشته شده است و این اسلام است که علت پیدایش آخوندها است نه هیچ چیز دیگر.

آخوندها از اسلام سوء استفاده نمیکنند، بلکه از آن استفاده میکنند. آخوند خراب است چون اسلام خراب است، آخوند جنایتکار است زیرا اسلام آیین جنایت است، آخوند معلول است و اسلام علت و بجای مبارزه با معلول و رد و پای اژدها شایسته است که با علت و خود اژدها مبارزه کرد.

جدا از عرصه عملی اصول اسلامی قوانین اساسی نظام خلافت اسلامی نیز به خوبی نشان میدهد که این حکومت در عرصه تئوری نیز بیش از اینکه هر چیز دیگر باشد، اسلامی است.

توسط آرش بیخدا

<http://www.efsha.co.uk>